



درباره مواجهه مجردها با مسائل ازدواج در شبکه های اجتماعی

با اجازه، فضا مجازی

سارا مؤمنی
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه

من: آن کاربری که پاسخ

می دهد

خودمان را جای کسی ببینیم که این سؤالات را در شبکه اجتماعی دیده و می خواهد پاسخ بدهد. نادیده نگرفتن و پاسخ ندادن اومی تواند دلایل مختلفی داشته باشد، به طور مثال با هدف جلب کاربران دیگر و کسب محبوبیت و بیشتر شدن فالوور پاسخ خنده دار بدون هدفی بدهد، یا مغرضانه اما رسمی پاسخی جدی بدهد و دیگران را گمراه کند، یا واقعاً مسأله خودش را در سؤال مطرح شده ببیند و در عین دادن پاسخ های دیگران رانیز ببیند و با آنها هم وارد گفت و گو شود. اگر چه علت آخر می تواند یک هم افزایی میان کاربرانی که دور این سؤال جمع شده اند ایجاد کند، چون سؤال درباره یک مسأله شخصی، انتزاعی و خاص است، کارکرد خاصی که موتور محرکه او برای انتخاب یک رفتار باشد، ندارد.

من: آن کاربری که سکوت می کند

مسأله اصلی من این گروه است. گروهی گسترده، خاموش و ساکن ماریچ سکوت که اغلب زمان و توجه شان در فضای مجازی است، از آن اثر می گیرند و اغلب سعی در تعامل یا پاسخ ندارند. فردی که در این گروه کاربران است، سؤال را می بیند، به فکر فرو می رود، بدون پاسخ دادن، یا پاسخ بقیه کاربران را می بیند و وفاداری توجه اش به مسأله به قدری زیاد می شود که ساعت ها درگیر آن شده و از ترس، نگرانی و اضطراب حتی اگر تصمیمی هم برای زندگی خود گرفته باشد، آن را عقب می اندازد یا حتی لغوش می کند. این همان خطری است که شبیه یک موج نامرئی، بخش زیادی از کاربران را با خود برده و جریان می دهد. خاموشی از افراد غرق شده در مسائل چالشی روزمره می کند و وفاداری توجه آنها به آن مسأله کوچک و گاهی نامرتب باعث شده که آن مسأله در ذهنشان تبدیل به یک چالش و بحران بزرگ شود و فراموش می کنند که تفاوت موقعیت و ویژگی های هر فرد درباره یک مسأله (اینجا ازدواج) نتایج متفاوتی دارد؛ قرار نیست همه به یک سرنوشت دچار شوند، قرار نیست یک نسخه برای همه پیچیده شود و برای همه جواب بدهد و قرار نیست سؤال و پاسخ های آن نقش مهمی در انتخاب و زندگی ما ایجاد کند.

سرعت گیر و سراب های مجازی را بشناسیم

ما هنوز هم می توانیم جزو هیچ کدام از این سه گروه بویژه گروه سوم نباشیم، اما همچنان کاربران مختلفی هستند که جزو گروه اول یا دوم هستند. از راهکارهای مهم برای مواجهه با آنها، کارهای کوچک اما اثرگذاری مانند نادیده گرفتن، پاسخ ندادن، پسند (لایک) نکردن سؤال و پاسخ، کنترل زمان برای حضور در شبکه، پیگیری پاسخ هان نبودن و در یک کلام گذر کردن است.

شبکه اجتماعی شبیه جاده ای است که مبدأ و مقصد آن خود ما هستیم. جاده ای که سرعت گیر و سراب های متعدد دارد. برخی اخبار، مسائل و سؤالات مطرح شده در آن شبیه سرعت گیری هستند که باید آنها را دید، به آنها توجه کرد و آرام از آنها گذشت و برخی سراب هایی است که باید زود متوجه آنها شد و از آنها گذشت.



«توجه» وفادار ما به شبکه های مجازی

یک مبحث نظری در علوم ارتباطات و رسانه به نام «اقتصاد توجه» وجود دارد و من کلمه «وفاداری توجه» را از آن گرفتم. «سایمون» از نظریه پردازان مهم علوم اجتماعی است که ایده کلی اقتصاد توجه را مطرح کرد. رسانه ها محتوا محورند و محتوا به خودی خود ارزش اقتصادی ندارد اما چون محتوا توجه و زمان انسان ها را مصرف می کند، بنابراین رسانه ها بویژه رسانه های جدید برای موفقیت شان در رقابت و تلاشند که توجه و زمان بیشتری از مخاطبان بیشتری را جلب خود کنند. منظور من هم از وفاداری توجه، بیش از اندازه بودن توجه یک فرد به یک مسأله است. همین مسأله انتشار سؤال و نوشته های کوتاه در شبکه ها را در نظر بگیرید؛ عادت روزمره به نوشتن یا خواندن آنها و نشان دادن واکنش در طولانی مدت، بخش زیادی از زمان و توجه ما را به خود جلب کرده که این وفاداری توجه ما به آن، فایده چندانی هم بر ایمان ندارد.

من: آن کاربری که مسأله را منتشر می کند

خود را جای کسی ببینیم که این سؤالات را در شبکه های اجتماعی منتشر می کند. علتش ممکن است دلایل مختلفی مانند فالوور گرفتن بیشتر، محبوبیت بیشتر یا حتی واقعاً رسیدن به پاسخ باشد. مجال صحبت درباره دو علت اول در این یادداشت نیست؛ اما علت سوم که اتفاقاً مهم ترین علت است، قابل توجه و بحث است. در گذشته کم و کیف بسیاری از مسائل مرتبط با ازدواج منحصراً در اختیار خانواده بود و برای همین بسیاری از مسائل بدون توجه به عمقی که داشتند، در قالب حرمت، احترام، فرمانبری از بزرگ ترها و غیره در کوتاه ترین زمان حل می شدند. آرام آرام خانواده هسته ای از خانواده گسترده جدا شد و پس از آن گروه دوستی بیشترین اثر را در تصمیمات جوانان برای کم و کیف ازدواج داشتند، کمی جلوتر فقط خود دوزخ ماندند و تصمیمات شان؛ اما انگار انسان نمی تواند از اجتماعی بودن خودش دست بکشد، پس به اجتماع بازگشت. نه آن اجتماع تحمیلی، بلکه اجتماع جدیدی که خود انتخابش کرد؛ حضور در شبکه مجازی و گفت و گو با افرادی که ممکن است هیچ وقت در جهان بیرون آنها را ملاقات نکنند. بنابراین فرد با تصور اینکه می تواند بدون بازخواست شدن یا مورد نقد قرار گرفتن یا محدود شدن، مسائل مختلفش را با شبکه در میان بگذارد، مشورت بگیرد و بر مبنای آن تصمیم بگیرد، شروع به طرح مسائل مختلف ناملموس می کرد، غافل از اینکه نه تنها پاسخ و اثر آن انتشار برای هر فرد متفاوت است، بلکه پاسخ هایی که دریافت می کند هم متناسب با موقعیت خودش نیست و حاصل هر دوی این ها، سردرگمی، اضطراب، نگرانی و ناتوانی در انتخاب درست و تصمیم درست است.

مسائل مختلف زندگی از قاب رسانه ها کامل نشان داده نمی شوند؛ یعنی ابعاد ناملموس اما مهم شان که تصویری ندارند، قربانی ابعاد ملموس و قابل مشاهده آنها می شود. به طور مثال «ازدواج» آنچه را که رسانه از ازدواج به شما ارائه می دهد، در نظر بگیرید.

لباس عروس، داماد، ماشین عروس، دسته گل، تالار، شیرینی، طلا و جشن آن بخش های ملموسی از ازدواج هستند که تصویر دارند و قابل مشاهده هستند

و بر مبنای این تصاویر کلماتی مانند خوشبختی، آینده،

جوانی و زندگی در ذهن ما نقش می بندد. اما بخش های ناملموس ازدواج پشت این تصاویر پنهان می شود؛ به طور مثال «تفاهم» و «درک» را در نظر بگیرید؛ رسانه های چاپی و تصویری مختلف ساعت ها و روزها درباره این دو کلمه برنامه تولید می کنند و در نهایت این مفاهیم انتزاعی تصور متفاوتی در ذهن هر کدام از ما دارد.

حالا شبکه های اجتماعی این امکان را فراهم کرده که این بخش ناملموس از هر مسأله در قالب کلمات، گفت و گو و قابل لمس شود. اما همیشه این اتفاق، یک امکان و فرصت نیست و گاهی تبدیل به تهدید شده و آسیب زایی غیر قابل جبران دارد.

مواجهه مجردها با مسائل ازدواج در شبکه اجتماعی

همیشه اینطوری نیست که شبکه های مجازی شبیه یک مشاور مهربان کنار ما باشند و ما را از تبعات تصمیم های مان آگاه کنند. اینطوری هم نیست که زمان زیادی داشته باشیم و به خودمان اجازه جبران بدهیم. اتفاقی که می افتد، مواجهه خود و دیگران با مسأله ای است که به واسطه شبکه اجتماعی ناخواسته زیادی بزرگ و مهم و اثرگذار شده است.

حتماً شما هم با این مسأله در شبکه اجتماعی مواجه شدید که کاربران سؤالات مختلف و مسائل مختلفی را کوتاه اما اثرگذار مطرح می کنند و نظر دیگران را در این باره می پرسند.

اینجا مشخصاً منظورم افراد مجرد جامعه و مسأله ازدواج است. مثلاً این سؤال «آه خونه نداشته باشه، زنش می شی؟»، «آه که قدش بلند نباشه باهاش ازدواج می کنی؟»، «آه فلان ماشین رو نداشت چی؟»، «آه خواست باهاش مهاجرت کنه چی؟» و بسیاری اگرهای دیگر که هر کدام جهانی را در ذهن خود نویسنده و دو دسته مخاطبانش ایجاد کرده و آنها را دچار چالش می کند.

این مسأله سه سردارد، یک سر کاربران هستند که به هر دلیلی چنین سؤالاتی مطرح می کنند.

یک سر کاربران هستند که سؤالات آنها را می بینند و پاسخ می دهند و یک سر هم کاربران هستند که سؤالات آنها را می بینند، اما سکوت می کنند.

نمی خواهیم به طور کلی این نوع تعامل و مصرف شبکه های اجتماعی را امضردانیم، بلکه در اینجا فقط از مضرات آن و آن هم درباره یک گروه خاص و یک مسأله خاص صحبت می کنم.

اگرچه آسیب این آگاهی سطحی مجازی شاید در ابتدا چنین ارتباطات اجتماعی، معمولی، ساده و روزمره به نظر برسد؛ اما «وفاداری توجه ما» به آنها می تواند اثر طولانی مدتی روی ما، تصمیمات، انتخاب ها و سبک زندگی ما بگذارد.